آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۱۹۴
سه شنبه
۱۴۰۰•۱۰•۰۷
۲۳ جمادی‌الاولی ۱۴۴۳/ ۲۸ دسامبر ۲۰۲۱

یادداشت

برای موفقیت مذاکرات چه باید کرد؟

دیاکو حسینی
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

مذاکرات بین‌المللی اعم از اقتصادی یا امنیتی که نوعی از همکاری را برای رسیدگی به اختلافات معین به نمایش می‌گذارد، صرفا بر اساس سنجش دائمی از توزیع مزایای نسبی ناشی از همکاری و یا توافق نهایی پیش نمی‌رود. به عبارت دیگر دولت‌ها در حین مذاکره تنها به این موضوع نمی‌اندیشند که هر کدام چه مقدار از مزایای توافق را نصیب خود می‌کنند. در این حالت ساده، اگر دو طرف مذاکره کننده رقبای سرسخت یکدیگر باشند، ضمن آنکه به‌خوبی می‌دانند در پایان چنین مذاکره‌ای نمی‌توانند همه مزایای آن را به‌دست آورند، ناگزیر از این برآورد هستند که رقیب آنها چقدر بیشتر یا کمتر از آنها از توافق سود می‌برد. اگر برداشت هر کدام چنین باشد که رقیب آنها سود بیشتری از توافق به‌دست می‌آورد یا اساسا توافق شکل نمی‌گیرد یا پس از انعقاد، به سرعت احساس سرخوردگی و مغبون شدن غلبه می‌کند. این احساس، می‌تواند عمر توافق را کوتاه کند و آن طرفی که احساس غبن کرده را به تقلب در اجرای توافق و حتی خروج از آن تشویق کند. در کنار این محاسبه که می‌توان آن را ارزیابی از توزیع مزیت‌های نسبی مثبت نامید، گاهی مزیت نسبی منفی نیز به شمار این ارزیابی‌ها در می‌آید. در مذاکرات منتج به برجام در دولت‌های اوباما و روحانی، وجود فضای امیدوار کننده، توزیع مزیت‌های نسبی مثبت را مبنای گفت‌وگوها قرار داد بدین معنا که هر کدام از طرف می‌کوشیدند امتیاز بیشتری را در چانه زنی‌های مذاکراتی به‌دست بیاورند و امتیازهای کمتری را واگذار کنند. برخلاف آن، در مذاکرات احیای برجام که در شرایط تعمیق بی‌اعتمادی، شکاف عظیم در انتظارات و ناامیدی از دستیابی به تحقق مطالبات مطلوب آغاز شده، توزیع مزیت نسبی منفی اهمیت بیشتری یافته است. هر کدام از طرف‌های ایران و آمریکا سعی در مجاب کردن دیگری دارند که در صورت عدم موافقت با احیای برجام، زیان بیشتری متحمل خواهند شد. این ویژگی نه تنها مذاکرات را به جدالی برای کسب حیثیت تبدیل می‌کند بلکه به سادگی استعداد شکست را در آن می‌گنجاند؛ نه تنها به این دلیل که هیچ کشوری نمی‌خواهد به توافقی تن دهد که ناشی از پذیرش پیامدهای بدتر ناشی از فقدان آن توافق است، بلکه به این دلیل که در چنین توافق احتمالی ناگزیر از سپردن امتیازهای بیشتری خواهد شد که در غیر اینصورت می‌توانست از آن اجتناب کند. محاسبه اینکه هر کدام از طرف‌ها در توزیع مزیت نسبی منفی چه مقدار زیان خواهند دید به مراتب آسان‌تر از محاسبه سود هر کدام از آنها از توزیع مزیت‌های نسبی مثبت در آینده است. با این حال، این مسأله مشکل زیادی را حل نمی‌کند چون ممکن است ایران و آمریکا تصور متفاوت با برداشتی داشته باشند که ناظر سوم در توزیع مزیت‌های نسبی منفی می‌تواند ببیند. برای مثال، اگر ایران باور نداشته باشد که در صورت عدم احیای برجام زیان بیشتری از آمریکا متحمل خواهد شد، حتی اگر واقعا اینگونه باشد، تلاش آمریکا برای ترساندن ایران از شکست مذاکرات به نتیجه‌ای که می‌خواهد یعنی تشویق ایران به توافق، به جایی نخواهد رسید. از آنجایی که دولت‌ها نمی‌توانند رقیب‌شان را ذهن خوانی کنند، مسأله توزیع مزیت‌های نسبی منفی، همواره یک معضل برای نتیجه بخش بودن مذاکرات باقی خواهد ماند. چه باید کرد؟ به زبان ساده کاستن هرچه بیشتر و البته متوازن از سطح انتظارات به نحوی که افق دستیابی به دستاوردهای احتمالی بیش از احتمال شکست مذاکرات به دلیل فقدان امید به نتیجه باشد. هرچند به‌خاطر نبود اعتماد کافی، دشوار خواهد بود که هر یک از ایران و آمریکا، گام اول را بردارند؛ با این حال، مطالباتی هستند که هر کدام می‌توانند بر اساس اهمیت آن در حفظ و بهره‌مندی از مزایای توافق نگه داشته یا کنار بگذارند. تفاوت میان مزیت‌های نسبی مثبت و منفی یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های مذاکرات منتج به برجام و مذاکرات احیای آن است که اولی را به نتیجه رساند و اکنون دومی را به شکست مذاکرات تهدید می‌کند. بدون رفع این معضل، راهی پر فراز و فرود در پیش روی مذاکره کنندگان است که شاید هیچگاه به انتهای مطلوب نرسد.

سخـــن روز

ضرورت تعامل بین نهاد قضا و وکالت

ادامه از صفحه یک / نوعی سیاسی کردن تعاملات اجتماعی و قانونی نهاد وکالت را با سایر نهادهای حاکمیتی و مردمی به وجود می‌آورد را با تامل و دقت بیشتری مورد اشاره قرار دهند. وکیل دادگستری برای دریافت پروانه وکالت قسم یاد می‌کند که حرفه وکالت را وسیله اغراض سیاسی قرار ندهد و خوشبختانه بخش مهمی از اکثر قریب به اتفاق وکلای کشور به این سوگند وفادارند. اگر درخصوص عملکرد وکلا با تمام اقشار فعال در حاکمیت کشور ارزیابی منصفانه به عمل آید، معدل سلامت وکلا به نسبت بسیاری از اقشار اگر بالاتر نباشد، پائین‌تر نیست. وقتی بخش مهمی از نمایندگان مجلس مورد احراز صلاحیت قرار نمی‌گیرند، وقتی بالاترین مقامات قضائی اداری اجرایی تقنینی مورد تعقیب قرار می‌گیرند تحت عنوان جرائم مختلف از جمله جرائم علیه امنیت و غیره درحالی که در قشر وکیل دادگستری جز در مواردی که مرتبط با حقوق و آزادی‌های صنفی است، معمولا در چارچوب وکالت فعالیت صنفی به عمل نمی‌آید و اگر اعتراضی هم گاهی از طرف وکلا مطرح می‌شود برای دفاع از حقوق قانونی خود و نهایتا اعتلای عدالت قضائی است، این نوع مطالبات در چارچوب قوانین کشور از جمله حقوق و آزادی‌های مدنی است که قانون اساسی آن را به صراحت شناخته است. بنابراین ایجاد این شائبه در افکار عمومی که وکلای دادگستری بعضا با حاکمیت زاویه دارند یا مخالف نظامند، قطعا یک برداشت شخصی است و قابل تعمیم به جامعه وکالت نیست. مسلما نارضایتی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی به عنوان یک حق شهروندی برای تمام اقشار وجود دارد. بهترین دلیل این مدعا میزان مشارکت مردم در انتخابات گذشته است. ضمن آنکه وقتی یک حقوقدان محترمی که مسئولیت بالایی در قوه قضائیه دارد درصدد انتساب یک مطلب به کنشگران یک صنف (حتی به صورت بخشی و جزئی) یا اشخاص حقیقی یا حقوقی برمی‌آید، قطعا جز با صدور حکم قضائی نمی‌توان مبادرت به اظهارنظری نمود که موجب تشویش افکار عمومی نسبت به یک صنفی است که به اذعان شخص آقای دکتر مصدق وجودش از لوازم محوری برقراری عدالت قضائی است. آنچه مسلم است جامعه حقوقی کشور به ویژه وکلا با استقبال از هرگونه پیشنهادی که موجب رفع ابهامات و چالش‌های موجود بر سر راه نهادینه شدن عدالت قضائی باشد، استقبال خواهد نمود و مشکلات و موضوعاتی که در مدت‌های اخیر بین قوه قضائیه و نهاد وکالت مطرح شده، قطعا با نشست‌های تخصصی قابل ارتفاع خواهد بود و بخش مهمی از منویات مورد نظر معاونت محترم قوه قضائیه درخصوص حل موانع موجود قابل تحقق است. درضمن نباید فراموش کرد که همان‌طور که بسیاری از بلندپایه‌گان انقلاب از گذشته تاکنون مورد اشاره قرار داده‌اند، نقد بخش‌هایی از حاکمیت و یا حتی عدم رضایت از این بخش‌ها و در حالت بسیار افراطی آن، زاویه داشتن با قسمتی از عملکردها، نباید مانعی برای برخورداری از حقوق شهروندی، اساسی، طبیعی و فطری آحاد ملت شود. قطعا آقای دکتر مصدق به خاطر دارند که مدتی پیش یکی از مهم‌ترین معاونین قوه قضائیه مورد تعقیب همان قوه قرار گرفت و باز یاد خواهند آورد که بسیاری از عملکردهای مدیران دوره‌های گذشته مورد نقد و هجمه مدیران و مسئولین فعلی است. و ادامه این هجمه‌ها بعضا این ذهنیت را ایجاد می‌کند که عملکرد برخی از مسئولین گذشته در مخالفت با ارزش‌های مورد قبول حاکمیت است. لذا به عنوان یک حقوقدان باید سعی کنیم از سیاسی کردن مسائل صنفی پرهیز کنیم تا به نوعی با برچسب زنی نامناسب زمینه فاصله گرفتن حقوقدانان جوان به ویژه وکلا در هر دو نهاد را فراهم ننمایم.

غلامعلی رجایی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

«تیم اقتصادی ناهماهنگ» معیشت را فراموش می‌کند

برخی وزرا در حد مدیریت بحران نیستند

دولت به وعده‌های اقتصادی خود عمل کند

مردم می‌خواهند تاثیر تغییرات را در سفره خود ببینند

دولت در تدوین بودجه باید موازی معیشت مردم حرکت می‌کرد

عکس: آرمان‌ملی /فاطمه فتاحی

آرمان ملی- حمید شجاعی: دولت سیزدهم حدودا ۴ ماه می‌شود روی کار آمده و در حوزه‌های مختلف عملکردی از خود برجای گذاشته است، اما خوب یا بد نگاه قاطبه جامعه به عملکرد اقتصادی دولت و برنامه‌های دولت برای حل مشکلات معیشتی مردم است. شاید اگر دولت در حوزه‌های مختلف عملکرد مطلوبی هم داشته باشد اما در حوزه اقتصادی نتواند پاسخگوی خواسته‌ها و مطالبات مردم باشد از دید آنها کار خاصی انجام نداده باشد. چیزی که در دولت روحانی نیز شاهد آن بودیم. حال در دولت آیت‌ا... رئیسی با وجود وعده‌های داده شده مبنی بر حل مشکلات معیشتی مردم وضعیت زندگی مردم تغییری نکرده و فقط با افزایش افسار گسیخته قیمت‌ها در حوزه مایحتاج مردم سفره آنها کوچک‌تر شده است. این در حالی است که بسیاری معتقدند برخلاف اینکه دولت گفته معیشت مردم را به مذاکرات گره نمی‌زنیم مساله اقتصاد به مذاکرات گره خورده و اگر در وین توافقی حاصل شود می‌توان امیدوار بود که تاثیرات مثبتی بر اقتصاد کشور و معیشت مردم نیز به وجود آید. هرچند که تلاش دولت این باشد که با عملکردهای مثبت و مفید اعتماد عمومی کاهش یافته در جامعه را بازگرداند. در این راستا برای بررسی عملکرد دولت و مجلس، تاثیر عملکردها بر جامعه و وضع معیشتی مردم و ارزیابی عملکرد تیم اقتصادی دولت «آرمان ملی» با غلامعلی رجایی فعال سیاسی و مشاور شهردار پیشین تهران به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

ارزیابی عملکرد شما از عملکرد دولت در چند ماهه اخیر چگونه است و اینکه گفته می‌شود دولت در عملکرد کلی خود استراتژی، گفتمان یا برنامه‌ای ندارد را چطور تحلیل می‌کنید؟

آقای رئیسی قاعـــدتا از حوزه قوه قضائیه به حوزه اجرا آمده و این عدم سابقه اجرایی برای رئیس جمهور محدودیت ایجاد می‌کند. آقای رئیسی نه کادر اجرایی از پیش دارد نه تیمی که با او به دولت آمده باشنـــد. اینکه افرادی معرفی شـــده و در دولت مشغول کـــار شوند غیـــر از این است که افرادی با تجربه که قبلا در دستگاه‌های اجرایی و بدنه دولت حاضر بودند عنان کار را به عهـــده بگیرند. گاهـــی کسی خـــودش شناخـــت نسبی به مسائل دارد و گاهی نیز اشخاص بدون هیچ پیش زمینه‌ای وارد کاری می‌شوند. نکته دیگر اینکه ما در این نزدیک به ۵ ماه گذشته از عملکرد دولت نه تنها در حوزه اقتصادی بلکه در حوزه فرهنگی نیز چیزی ندیدیم که نشانه اعلام استراتژی باشد. رئیس جمهور باید حرف‌هایی که زد و نکات برجسته‌ای که در مناظرات انتخاباتی مطرح کرد را عملی کند. به هر حال آقای رئیسی گفت که من ۷۰ صفحه برنامه اقتصادی دارم؛ خب کمترین انتظار این است که برای بهبود وضع معیشت مردم و اقتصاد کشور به این ۷۰ صفحه برنامه جامه عمل بپوشاند، جنبه عملیاتی دهد و مردم را از این وضعیت نجات دهد. من فکر می‌کنم جامعه دیگر الان منتظر است که رئیس جمهور تغییراتی ایجاد کند و آنها این تغییرات را در سفره خودشان ببینند. به نظر من در عین حال باید به دولت مقداری فرصت بیشتری داد. البته جدای از اینکه رئیس جمهور خود سابقه اجرایی در دستگاه اجرایی نداشته است تیمی هم که انتخاب کرده غالبا کسانی نیستند که سابقه درخشان اجرایی داشته باشند. جز چند نفر مثل آقای رستم قاسمی، سورنا ستاری، علی اکبر محرابیان و محمد اسلامی بقیه یا از مجلس آمده‌اند یا تجربه لازم را ندارند و تا پخته شوند و کشور را بفهمند زمان می‌برد. سختی کار هم اینجا است که این افراد دقیقا زمانی روی کار آمده‌اند که کشور در شرایط بحران که حتی سخت‌تر از جنگ است مسئولیت پذیرفتند. گاهی شما کسی را از مجلس آورده و به وزارت اقتصاد می‌گمارید که وضعیت عادی است و شخص مورد نظر نیز با جلسه، بازدید، همفکری و هم افزایی با نخبگان کم کم راه می‌افتد. اما اکنون در شرایطی نیستیم که در مذاکرات، در مسائل اقتصادی و مسائل فرهنگی و اجتماعی افراد کم تجربه‌ای به وزارت یا مسئولیت‌های مهم در دولت برسند و تازه بخواهند یاد بگیرند. البته این مساله در چنین شرایطی در حوزه اجتماعی خود را نشان می‌دهد یعنی نزاع‌های دسته جمعی، سرقت‌ها، افزایش آمار اعتیاد، افزایش حاشیه نشینی و آسیب‌های زیادی را ایجاد می‌کند. لذا دولت باید در چینش افراد خود پختگی بیشتری از خود نشان می‌داد. من قبلا هم گفته بودم که به یک سال نرسیده باید منتظر تغییراتی در دولت باشیم. کما اینکه امروز در مجلس نیز شاهد برخورد با برخی وزرای به خصوص اقتصادی هستیم. به هر حال نمایندگان مجلس هرچند با دولت همسو هستند اما در مقابل مردم مورد سوال قرار می‌گیرند که می‌خواهید چکـــار کنید. الان نیز بودجه‌ای با ۷۹ درصد مالیات بسته شده که نمی‌توان گفت بر زندگی مردم تاثیر نمی‌گذارد. مالیات در بودجه نیز فقط از پولدارها گرفته نمی‌شود و درصدی از آن از ابر سرمایه‌داران و سرمایه‌داران کلان گرفته می‌شود اما مردم ناراحت هستند که ایـــن مساله در زندگـــی و سفره‌شان تاثیر بگذارد. من معتقدم دولت در این قضیه باید خیلی مماس‌تر با معیشت مردم حرکت می‌کرد و در تدوین لایحه بودجه معیشت مردم را در نظر می‌گرفت. به هر حال اقتصاد باید راه‌حل داشته باشد. اینکه نمی‌شود ما در دنیا ملتی باشیم که اقتصادمان روز به روز خراب‌تر شود و مردم بگویند سوریه جنگ کرده وضع اقتصادی بهتری از ما دارد یا افغانستان درگیر طالبان و عراق دچار مشکلاتی شده اما واحد پولی با ارزش‌تری از ما دارند. این تحقیرآمیز است و باید به نحوی حل و فصل شود. البته ما ۵ ماه صبر کردیم و چند ماه دیگر نیز تا آخر سال صبر می‌کنیم که دولت چه اقدامی خواهد کرد. ولی به نظرم تیمی که دولت برای کار چیده نتوانسته جوابی بگیرد.

> **اینکه نمی‌شود اقتصادمان روز به روز خراب‌تر شود و مردم بگویند سوریه جنگ شد اما وضع اقتصادی بهتری از ما دارند، یا افغانستان درگیر طالبان و عراق دچار مشکلاتی شده اما واحد پولی با ارزش‌تری از ما دارند**

شرایط و عملـــکرد برخی وزرا در دولـــت به نحـــوی است کـــه شائبه‌هایی مبنی بـــر سوال یا استیضاح آنها در مجلس مطرح می‌شود؛ اساسا با وجود حمایـــت تمام قـــد اصولگرایـــان و خود مجلـــس از وزرای معرفی شده چه شـــد که امـــروز خود حامیان دولت بـــه صف منتقدان پیوسته‌اند؟

فکر نمی‌کنم که در ۳ یا ۵ ماه وزیری را استیضاح کنند، اما رفت و آمد وزرا به خصوص از تیم اقتصادی به مجلس به زودی شروع خواهد شد. ضمن اینکه حوزه اقتصادی ریاست جمهوری نیز دچار تشتت و تنوع است. ببینید شما یک محسن رضایی دارید که معاون اقتصادی و دبیر هماهنگی‌های اقتصادی است. در همین راستا در جایگاه متفاوت‌تری آقای مخبر حضور دارد. خود رئیس جمهور و وزیر اقتصاد نیز بی‌نظر و بی‌تاثیر نیستند. به نظر من خود این تعدد و تشتت در عدم ثبات در تصمیم گیری تاثیرگذار است. در هیچ دوره‌ای هیچ وقت اینگونه شاهد تفرق نبودیم. مثلا در دولت قبل آقای جهانگیری فرماندهی اقتصادی دولت را بر عهده داشت ولی اکنون راجع به بحث یارانه‌ها و افزایش آن حرف‌های مختلفی از سوی معاون اقتصادی رئیس جمهور، وزیر اقتصاد و سایر ارکان اقتصادی دولت مطرح می‌شود. حال مجلس و نظراتش به جای خود و به آن ورود نمی‌کنیم. هر چند که این مساله تبعات خاص خود را دارد که چون تخصص اقتصادی ندارم وارد نمی‌شوم اما به نظرم افزایش یارانه اوضاع را بدتر خواهد کرد. دولت فعلا در پرداخت همین یارانه‌ای که کمتر از ۲ دلار است مانده و چگونه می‌خواهد آن را دنبال کند. لذا گمان می‌کنم که دولت در آینده نزدیک دچار تغییراتی شود.

طی چند وقـــت اخیر بحثی مطرح می‌شود در این خصوص که با وجود حضور افراد مختلف در دولـــت اعم از معاون اقتصادی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر اقتصاد و معاون اول رئیس جمهور؛ رئـــیس تیم اقتصادی چه کسی است؛ با توجه به آنچه در عملکرد دولت مشاهده می‌کنید فرماندهی اقتصادی کشور را چه کسی بر عهده دارد؟

معتقدم که رئیس تیم اقتصادی آقای مخبر است اما به نظرم یک تفاوتی که آقای رئیسی با روحانی دارد اینکه آقای روحانی عملا چند سال در مجلس بود و در ساز و کار مسائل کشور قرار داشت. هر ساله در مجلس بودجه تصویب و آن را کم و زیاد می‌کردند. اما آقای رئیسی در این مسائل قرار نداشته و اولین سالی است که با مسائل بودجه نویسی در کشور مواجه می‌شود، بنابراین غیر از این تفرق، تنوع یا تعدد خود آقای رئیسی هم باید بگذرد. مسائل اقتصادی نیز به نحوی نیست که هر کس به صرف اینکه به مسئولیتی رسیده حرفش برو داشته باشد و تاثیر جهشی و جدی بر آینده اقتصاد بگذارد. مسائل اقتصادی بسیار پیچیده است و شاید بسیاری از کارشناسان اقتصادی نیز نمی‌توانند نسخه بنویسند. اینگونه نیست که وزیر یا رئیس دولت بتواند در مسائل اقتصادی تعیین مسیر کند و نسخه بنویسد، بنابراین به این مشکل از این جهت نیز نگاه می‌شود که چون آقای رئیسی از حوزه دیگری آمده تا بتواند بر حوزه‌های مختلف مسلط شود زمان زیادی خواهد برد. مثل این است که در بهترین حالت شخصی را از ریاست قوه مجریه به ریاست قوه قضائیه بگذارند. این شخص تا از قوانین و رابطه‌های آنها سر در بیاورد و اصلا جایگاه سیستم قضائی کشور را بشناسد طول می‌کشد و این گذشت زمان خود خسارت است، بنابراین باید مقداری حوصله کرد. ضمن اینکه نباید انتظار اقدام جدی از این چینش افراد و روندی که در این ۵ ماه دیدیم داشت. اگر ۴۸ ماه مدت عمر دولت آقای رئیسی باشد و اگر ۵ ماه آن گذشته باشد یک نهم آن رد شده چون در چند ماه آخر دولت کار مهمی انجام نمی‌دهد و شرایط را برای دولت بعدی فراهم می‌کند. لذا یک نهم فرصت کمی نیست و به زودی به دو نهم و سه نهم می‌رسیم و قاعدتا مردم دوست دارند این تغییرات را ببینند.

> **شگفتی این است کسانی که با این روند در برجام و مذاکرات موافق نبودند امروز باید خود بروند و از برجام دفاع کنند. البته مانعی ندارد که کسی برخلاف عقیده‌اش کار کند چون این مساله در حوزه مصلحت و منافع ملی است**

عـــده‌ای از کاندیداهای ریاست جمهـــوری که در مناظرات برنامه‌های مدون اقتصادی در جهت بهبود وضع معیشت مردم ارائه می‌دادند امروز در دولت سمت دارند، اما عملکرد دولت نشانی از برنامه‌های مدون در حوزه اقتصاد ندارد؛ از دیدگاه شما این برنامه‌ها در نوع عملکرد دولت لحاظ شده است؟

این افراد نمی‌توانند برنامه‌ای که در مناظرات بر پایه آن صحبت کردند را به رئیس جمهور بدهند بلکه صرفا می‌توانند پیشنهاد بدهند. البته حرف‌های مناظراتی بعضا حرف‌های چندان پخته‌ای نیست. چنانکه گفتند سه روزه مشکل بورس حل شدنی است، اما می‌بینیم که نه تنها چند ماه بلکه سال هم بگذرد با این رویکرد مشکل بورس حل شدنی نخواهد بود. البته ممکن است برخی برنامه‌هایی که به رئیس جمهور پیشنهاد می‌شود قابل تحقق باشد. ضمن اینکه رئیس جمهوری که انتخاب شده اخلاقا و قانونا تعهدی در مقابل برنامه‌های دیگران ندارد. شاید کسی را بررسی این برنامه‌ها گذاشته باشند. مثلا حرف‌هایی که آقایان رضایی، زاکانی و قاضی زاده هاشمی مطرح کردند باید بررسی شود که قابل تحقق است یا نه. البته چیز دندان گیری در برنامه‌های آنها ندیدم که وضع یارانه‌ها را بهتر کنند یا اینکه تحریم‌ها را کم اثر کنند. البته کم اثر کردن تحریم‌ها نیز باید مشخص باشد که با چه ساز و کاری است. اگر در وین به نتیجه لازم نرسیم ارزش پولی ما با شیب و سرعت بیشتری سقوط خواهد کرد و دلار افزایش قیمت بسیاری را تجربه خواهد نمود.

برخی مطـــرح می‌کنند که با توجه افزایش قیمت‌ها در حوزه ارز، خودرو و مهمتر از آن مایحتاج زندگی مردم و عدم تغییر نسبت به گذشتـــه وضعیت مردم رو بهبودی نرفته است چـــه میزان به این گزاره قائل هستید؟

معتقدم که وضعیت بدتر نشده است و اگر مذاکرات به نتیجه برسد شرایط نسبت به گذشته بهبود نسبی یافته و تغییر خواهد کرد. شگفتی این است کسانی که با این روند در برجام و مذاکرات موافق نبودند امروز باید خود بروند و از برجام دفاع کنند. البته مانعی ندارد که کسی برخلاف عقیده‌اش کار کند چون این مساله در حوزه مصلحت و منافع ملی است. تصورم این است که یکی از مواردی که دولت مصمم به حل و فصل آن است مساله برجام است. آقای رئیسی نیز می‌داند که باید این مساله برجام و مذاکرات را به جایی برساند.

تاثیر عملکرد مجلس در یک سال و ۷ ماه و دولت در نزدیک ۵ ماه را بر افکار عمومی چطور می‌بینید و از دیدگاه شما ادامه اینگونه عملکردها موجب کاهش بیشتر اعتماد عمومی خواهد شد یا مردم را به آینده امیدوارتر خواهند نمود؟

فرصت دولت رئیسی یک استثنا برای نظام و کشور است و اگر توفیقی حاصل نشود با عذرخواهی یا نقد دیگران کار به جایی نمی‌رسد. قاعدتا اگر شرایط به همین گونه پیش برود مردم از اینکه هست نگران‌تر، ناراحت‌تر و معترض‌تر خواهند شد. آقای رئیسی باید به نحوی عمل کند که شکاف را کم کند و اعتماد را باز گرداند که کار بسیار سختی است. چرا که الان فقط مساله بهبود معیشت مردم در میان است که آن هم به مذاکرات ارتباط دارد که دولت مصمم است آن را به جایی برساند.

فـــرارو

علیرضا محجوب مطرح کرد:

با از کجا آورده‌ای؟ سراغِ ثروتمندان برویم

یک نماینده مجلس در خصوص تناسب رویکردِ افزایش مالیات با حال کلی اقتصاد و حال معیشتی مردم اظهار داشت: در حال حاضر ثروتمندان مالیات نمی‌دهند، به همین خاطر نرخ تورم بالا رفته است. اساسا کنترل تورم، به معنای کاهش قدرت خرید است. کاهش قدرت خرید یعنی کاهش تقاضا درحالیکه ۶۳ درصد تقاضا در دست ۳ دهک بالای درآمدی است. علیرضا محجوب گفت: بنابراین اگر تقاضای ایجاد شده توسط این سه دهک، کنترل شود، تورم هم کنترل می‌شود؛ یعنی اینکه نیازی به کاهش سطح قدرت خرید مردم وجود ندارد. از طرفی، دولت به کنترل تقاضای ۱۰۰ درصد مردم نیاز ندارد؛ بلکه کافی است همین ۳۰ درصدی که ۶۳ درصد تقاضا را به وجود آوردند، کنترل شوند و از آنها مالیات دریافت شود. وی افزود: اگر دولت و مجلس می‌خواهند انقلابی عمل کنند، بسم‌ا... ! امسال این ۳ دهک را شناسایی کنند و در خدمتشان باشند. اگر هم اینها به خارج از کشور سفر می‌کنند، از خروجشان جلوگیری کنند. الان گویا یک عده فکر می‌کنند که ما در یک «اقتصاد بین‌المللی» زندگی می‌کنیم! بارها گفته‌ایم که انقلاب اسلامی به این معنی بوده که ما از قطار بین‌المللی پیاده شدیم و قطارِ «ایران اسلامی» را سوار شدیم. عده‌ای می‌گویند ما انقلابی هستیم ولی می‌خواهیم در قطار بین‌المللی بنشینیم، آنها پول بلیت و جای گرم و نرمی که برای خود پیدا کرده‌اند را هم نمی‌پردازند؛ حتی مدعی هستند که از پیش، گفته‌ایم که برای سوار شدن اطلاع‌رسانی کرده‌ایم. دبیر کل خانه کارگر بیان کرد: زمانی که بحثِ تعادل در اقتصاد مطرح می‌شود، ذهن به این سمت می‌رود که باید ثروتی خلق شود که ما به ازای آن دولت‌ها مالیات بستانند و هزینه‌های مخارج کشور را تامین کنند، اما اقتصاددان‌ها می‌گویند که نرخ تشکیل سرمایه در ایران منفی است و اقتصاد ایران قدرت خلق ثروت را از دست داده است. با چنین منطقی دولت واقعا می‌تواند درآمدهای مالیاتی‌اش را افزایش دهد؟ اتفاقا سرمایه برای تثبیت شدن با نرخ‌های سود پایین‌تر، توان مراجعه به تولید را دارد اما این ۶۳ درصد تقاضا از این راه پرهیز می‌کند؛ به این بهانه که تورم بالا رفته و گردش سرمایه در منابع مرتبط با تولید، به صرفه نیست؛ درحالیکه اگر چنین توجیهی را دست و پا نمی‌کردند و به جای این حرف‌ها سهم‌شان از تقاضایی که برای کالاهای لوکس، مسکن و... ایجاد کرده‌اند را پرداخت می‌کردند، تعادل به اقتصاد بازمی‌گشت؛ البته که دریافت مالیات از نیروی کار و حقوق‌بگیر حاصلی برای اقتصاد ندارد. در این کشور، عده زیادی مهمان «کیسه فقرا» هستند. محجوب ادامه داد: ثروتمندان از کیسه فقرا خرید ارزان می‌کنند. ثروتمندان از کیسه فقرا به خارج از کشور می‌روند. منظورم از کیسه فقرا، تورم است. تورم یعنی جشن اغنیاء. اساسا هر بودجه‌ای که برای کنترل تقاضا برنامه داشته باشد، را می‌توان قدمی رو به جلو دانست؛ البته امیدواریم که این بودجه با متمم اصلاح نشود. نماینده ادوار مجلس عنوان گرد: اگر روی این میزان مالیات اصرار می‌کنند، تا آخر هم بر روی آن پافشاری کنند اما مالیات را نمی‌توان از فقرا دریافت کرد. مالیات فقرا باید متوجه ثروتمندان شود. ثروتمندان نمی‌توانند در جای خوب قطار بنشیند و حتی پول آن را هم ندهند. زمانی هم که از آنها مالیات خواستند طوری برخورد کنند که انگار با همین سهم ناچیز از مالیات هم به کشور صدقه می‌دهند. اموال ثروتمندی را که مالیات نمی‌دهد، باید مصادره و او را زندانی کرد. عمل انقلابی کنید و هرکس که از پیش از انقلاب تا امروز مالیات نداده را شناسایی و سهمش را وصول کنید. در این شرایط، عمل انقلابی یعنی دریافت مالیات. این کار را انجام دهید و ببینید که تورم چه اندازه کوچک می‌شود؛ البته ما ارتباط بین قیمت ارز و تورم را کتمان نمی‌کنیم، اما نرخ ارز به واسطه تورم رشد می‌کند. از طرفی، ممکن است که همین میزان ارز هم برای کشور زیاد باشد. نباید فراموش کرد که ثروتمندان، پس از انقلاب، ۱۰ درصد، ثروتمندتر شده‌اند. به همین دلیل باید با «از کجا آورده‌ای؟» سراغ آن‌ها برویم. اگر با مالیات در ایجاد ثروت تعادل ایجاد کنیم، «ضریب جینی» به عنوان شاخصِ بیانگر شکاف طبقاتی، در این وضعیت وحشتناک قرار نمی‌گرفت.

دیدگـــاه

غرامت ستانی کویت، بزرگواری ایران!!

ادامه از صفحه اول / می‌تواند در این ارتباط اقدام کند. اگر دولت کنونی عراق در این ارتباط اراده و انگیزه لازم را ندارد نمایندگان و مقامات مختلف شیعی حاضر در ساختار سیاسی و همچنین علمای صاحب نفوذ این کشور می‌توانند ورود کنند و بخش کوچکی از بزرگواری همسایه شرقی خود راجبران نمایند. ستاندن غرامت جنگی از دولت عراق که حق مسلم تهران است کوچک‌ترین محذور اخلاقی برای ایران ندارد وحتی اگر دولت عراق متحد استراتژیک ایران بود اتفاقا اکنون زمان یاری رساندنش به کشوری است که ظالمانه در محاصره اقتصادی قرارگرفته است. متاسفانه مناسبات بین‌المللی از هر زاویه که بنگریم چارچوب‌های انسانی و اخلاقی ندارد وتوازن و منافع وقدرت دولت‌هاست که بیش‌ترین تاثیر را دارد وسرنوشت موضوعات را مشخص می‌کند. اتفاقا از همین روست که بسیاری از صاحب نظران ومنتقدان رفتار بین‌المللی تهران خواستار تغییر در برخی از تاکتیک‌ها و استراتژی‌ها هستند. مطابق با همین مناسبات است که کشوری چون روسیه محصولات کشاورزی استاندارد می‌خواهد واگر فلفل صادراتی ما اندکی از معیارهای سلامت آن کشور را نداشته باشد آن را برمی‌گرداند وتردیدی به خود راه نمی‌دهد. نه تنها روسیه که ترکمنستان وامارات و هرکشور دیگری که فیلترهای مشخصی برای واردات دارند دراین امور کوچک‌ترین ملاحظه سیاسی را دخالت نمی‌دهند بلکه حتی کشوری چون چین هم درصدور انواع محصولات خود فقط منافع خویش را درنظر می‌گیرد وفیلترداشتن یا نداشتن ما برای واردات محصولات مرغوب را درنظر نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد وقت نگاه واقعگرایانه وخصوصا جانبدارانه نسبت به رفاه و آسایش مردم ایران درهمه زمینه‌ها فرا رسیده است وتاخیر درآن هیچ توجیه منطقی و حتی سیاسی ندارد. اگر دولت آقای رئیسی در این ارتباط با قاطعیت عمل کند وبرای شروع دریافت غرامت جنگی ازعراق را وجهه همت قرار دهد استقبال گسترده وعمیق مردم را ازآن خود خواهد کرد.